

پیشگام در امر «تأسیس» و «تصحیح» مشروطیت
علی ابوالحسنی (مُنَدِّر)

برادر سید محمد طباطبائی



سرشناسه	: ابو الحسنی، علی، ۱۳۲۲-
عنوان و پدیدآور	: آیت‌الله حاج میرسید احمد طباطبایی (برادر سید محمد طباطبایی)
پیشگام در امر «تأسیس» و «تصحیح» مشروطیت/ علی ابوالحسنی (منذر)	: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، ایران، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۰ص: مصور، عکس.
شابک	: ISBN 964-6357-92-۰
یادداشت	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. (۱۳۹) - ۲۵.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: طباطبایی، احمد بن صادق، ۱۳۲۹-۱۳۶۲ ق. - سرگذشتنامه.
موضوع	: ایران - تاریخ - انقلاب مشروطه، ۱۳۲۲-۱۳۲۷ - روحانیت.
شناخته افزوده	: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
رده‌بندی کنکورد	: ۱۷۰۳ ط ۱۲۵۳ (DSR)
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۷۵۰۹۲
شماره کتابخانه ملی	: ۲۵۵۷۳-۸۵

آیت‌الله حاج میر سید احمد طباطبایی

(برادر سید محمد طباطبایی)

پیشگام در امر «تأسیس» و «تصحیح» مشروطیت



مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

تهران، خیابان ولی عصر، شهید فیاضی (فرشته)، نبش چناران، شماره ۱۲۸

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۱۹۷۵، تلفن: ۸-۳۷۰۴۰۳۷-۲۲۶

پست الکترونیکی: info@iichs.org

نشانی وب: <http://www.iichs.org>

نویسنده: علی ابوالحسنی (منذر)

حروفچینی و صفحه‌بندی: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

طرح روی جلد: حسین فیلی‌زاده

طراحی، لیتوگرافی، چاپ و توزیع: مؤسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر

تهران، خیابان ایرانشهر جنوبی، کوچه شریف، پلاک ۸، تلفن: ۸۸۲۸۹۰۳-۸۸۲۳۲۹۴

email:nazarprint@hotmail.com

چاپ اول: بهار ۱۳۸۶

تعداد: ۱۵۰۰ عدد

قیمت: ۲۸۰۰ تومان

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران می‌باشد.

فهرست

پیشگفتار	۹
بخش اول: همه قبیله او عالمان دین بودند!	۱۳-۳۶
خاندانی شهره به دانش، جهاد و پارسایی	۱۵
آقاسید صادق مجتهد طباطبایی	۱۹
هجرت به پایتخت	۲۱
سفر استرانژیک	۲۳
تقوای قضایی	۲۸
پایان دفتر	۳۱
آقاسید محمدرضا طباطبایی	۳۳
بخش دوم: در محضر اساتید	۳۷-۴۳
تولد	۳۹
تحصیل در تهران و عتبات	۳۹
یک نکته	۴۲
بخش سوم: خدمت به دین، اهتمام به سیاست	۴۵-۵۳
خدمات دینی و اجتماعی	۴۷
اهتمام به امور سیاسی	۴۸
دو نکته	۴۸
بخش چهارم: پیشگام در جنبش عدالتخواهی	۵۵-۸۳
قدیمترین ردّ پا از حضور سیاسی سید احمد در تاریخ	۵۷
مهمترین رویدادهای دوران جنبش عدالتخواهی	۵۹
اعتراض بر ضدّ مسیو نوز (محرم و صفر ۱۳۲۳ق)	۶۰
واقعه مسجدشاه (شوال ۱۳۲۳)	۶۹
مهاجرت صفرا (شوال - ذی‌قعدة ۱۳۲۳)	۷۰
آماج اتهامات بی‌بنیاد	۷۱
مهاجرت کبرا (جمادی‌الاول - جمادی‌الثانی ۲۴)	۸۰
بخش پنجم: در تکاپوی اصلاح مشروطیت	۸۵-۱۷۶
مشروطیت؛ فصلی نوین در تاریخ ایران	۸۷
همسویی با شیخ فضل‌الله، و هشدار نسبت به انحرافات	۸۹
بی‌بی‌خانم استرآبادی (وزیروف)	۹۶
«معایب الرجال»؛ آینه‌دار خصائص فکری و اخلاقی بی‌بی	۹۹
«تادیب‌النسوان»؛ رساله‌ای پُر بار اما پُر خار	۱۰۷

ضعفها و کاستیهای «معایب الرجال»	۱۰۸
۱. کلام هتاک و عاری از حجب و عفاف	۱۰۸
۲. خوی دیوانی و منطق استبدادی	۱۱۰
۳. سرگرانی با روحانیت	۱۱۲
۴. برخورد احساساتی و غیرمنطقی با سخنان حریف	۱۱۳
۵. شیفتگی به غرب، و سیاه‌نمایی از ایران و ایرانی	۱۲۲
بی‌بی و موسیقی غنایی	۱۲۶
مدرسهٔ دوشیزگان	۱۳۷
تحصن در حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام	۱۵۵
تلاش نافرجام مشروطه‌خواهان برای جدایی سید احمد از شیخ	۱۵۶
بانگ بیدارباش!	۱۶۱
باز هم، آماج اتهامات	۱۶۵
واقعهٔ توپخانه (ذی‌قعدة ۱۳۲۵) و نقش سید احمد	۱۷۴
شورش برشکنندگان پیمان	۱۷۵
بخش ششم: انحلال مجلس، فرصتی برای احیاء عبدالنخاه	۱۷۷-۱۸۷
انحلال خوتین مجلس	۱۷۹
نظاہرات باغشاه	۱۸۰
چالش با سفرای روس و انگلیس	۱۸۱
بیگانگان از دین ما چه می‌خواهند؟!	۱۸۴
بخش هفتم: مشروطهٔ دوم، و سلطهٔ جناح تندرو و سکولار بر کشور	۱۸۹-۲۲۲
فتح تهران و سلطهٔ مشروطه‌چیان تندرو و سکولار	۱۹۱
تلاش برای بهبود زندگی خانوادهٔ شیخ شهید	۱۹۲
سرکه انداختیم، شراب شد!	۲۰۱
افسردگی و نارضایی شدید سید محمد طباطبایی از روند مشروطیت	۲۰۷
با شهادت شیخ فضل‌الله، پایم را دیگر به تهران نمی‌گذارم!	۲۱۵
الی الرفیق الاعلی!	۲۲۱
بخش هشتم: ضمائم	۲۲۳-۲۳۶
بقعهٔ صادق	۲۲۵
آقاسید صادق طباطبایی، فراماسون نبود!	۲۳۰
بخش نهم: کتابنامه	۲۳۷-۲۵۰
تصاویر	۲۵۱
نمایه	۲۶۳

پیشگفتار

نام آیت‌الله میر سید محمد طباطبایی (پیشوای مشهور انقلاب مشروطه) در تاریخ معاصر ایران، نامی بس آشنا است. وی، برادری به نام میر سید احمد دارد که نه تنها (همچون سید محمد) در جنبش مشروطیت حضور داشته، بلکه بیش از شش ماه نیز پیش از سید محمد، گام در راه جنبش عدالتخواهی و ضد استبدادی صدر مشروطه نهاده است، اما هرگز به میزانی که از سید محمد در تاریخ مشروطه سخن به میان می‌آید، از سید احمد یاد نمی‌شود. علت این امر، فزونی شخصیت سید محمد بر برادرش (سید احمد) نیست. چه، به لحاظ علمی، هر دو چند سال در کنار هم، در حوزه میرزای شیرازی حضور یافته و (به اصطلاح) با یکدیگر هم‌افق بوده‌اند و به لحاظ موقعیت اجتماعی نیز (به ویژه در پگاه مشروطه) چندان تفاوتی با هم نداشته‌اند. پس باید پرسید که راز این برخورد متفاوت و «یک بام و دو هوا» در تاریخ مشروطه با آنان چیست؟!

پرسش دیگری که در همین زمینه بر صفحه ذهن می‌خلد، آن است که می‌بینیم سید محمد طباطبایی، به همان اندازه که در مشروطه اول (یعنی فاصله زمانی تأسیس مجلس شورای اول تا انحلال خونین آن) در جریانها و حوادث، دخیل و مؤثر بوده و نامش بر سر زبانها است، در مشروطه دوم (یعنی از فتح تهران و تجدید رژیم مشروطیت به بعد) هیچ نشانه‌ای دال بر دخالت او در امور کشور وجود ندارد، چندانکه گویی در این دوران، نام و نشان سید محمد از صفحه روزگار حک شده و مطلقاً گمنام است!

به راستی، چه ماجرابی رخ داده که رژیم مشروطه - به رغم وامداری بسیارش به مرحوم سید محمد طباطبایی، و استفاده کلان از وی در مشروطه اول - پس از تجدید حیات خویش، گویی هیچ پیوند و ارتباطی با پیشوای خود (سید محمد طباطبایی) نداشته و یکسره با او سرگران و ناآشنا است؟!

به نظر می‌رسد که مسئله اخیر، چندان دور از معنای پیشین (گمنامی سید احمد در تواریخ مشروطه) نباشد و پاسخ به هر دو سؤال، از یک ریشه آب می‌خورند: «جناح و جریان

تندرو و سکولار مشروطه که به تدریج بر موج مشروطیت، سوار و غالب شد، هیچ هشدار و انتقادی را (حتی از جانب رهبران اصیل و دیرین جنبش) برنمی تافت، و چنانچه با برخی از آنان هم موقتاً (در مشروطه اول) مماشات کرد برای آن بود که هنوز تا نابودی رقیبان مقتدر خویش (در بین روحانیت و دربار) و استحکام پایه های قدرت مطلقه اش در کشور فاصله زیادی وجود داشت و «مصلحت و منفعت سیاسی» اش در آن بود که نخست بین رهبران اصیل جنبش اختلاف افکنده و به دست بخشی از آنها، منتقدان شجاع و نیرومند خویش در میان روحانیت را از میدان به در کند، و سپس به تصفیه بخش دیگر بپردازد. طبعاً زمانی که از استقرار پایه های قدرت خویش مطمئن می شد، کار تصفیه گروه بازمانده از روحانیت را آغاز می کرد و احیاناً اگر با مقاومت برخی از آنان روبرو می شد، بی رحمانه دست به «ترور شخص و شخصیت» می گشود. چنانکه جناح و جریان یادشده، در مشروطه دوم، پس از اعدام شیخ فضل الله نوری (منتقد بی پروا و متنفذ جناح تندرو و سکولار مشروطه)، سید محمد طباطبایی را خانه نشین کرد و سید عبدالله بهبهانی را نیز که حاضر به ترک صحنه نبود، گلوله باران نمود.

آیت الله سید احمد طباطبایی، چنانکه خواهیم دید، در پیشبرد جنبش عدالتخواهی صدر مشروطه (که به تأسیس مجلس و مشروطه منتهی گردید) نقشی همسان سید محمد، بلکه دیرینه تر از او، دارد. بنابراین سزا است که در بازنگری و بازنگاری تاریخ مشروطه، او نیز جایگاهی درخور رنجی که در راه تحصیل مشروطیت کشیده است یابد. این حقی است که آقا سید احمد بر گردن مکتب تاریخنگاری مشروطه دارد و مع الاسف تاکنون ادا نشده، بلکه به شیوه های گوناگون، کتمان یا تحریف گشته است. و کتاب حاضر بر آن است که در حد توان، این دین را ادا کند...

در خاتمه، جا دارد از دو تن از رجال معاصر خاندان طباطبایی، که برگردن این پژوهش حقی دارند، یاد شود:

۱. آقای سید محمد حسن طباطبایی فرزند حاج سید فخرالدین (کارمند وزارت کشور و متوفی ۱۳۶۵ در خارج از کشور) فرزند حاج میرزا کاظم (پیشماز و صاحب دفترخانه) فرزند بزرگ آیت الله حاج میر سید احمد طباطبایی. ایشان لطف کردند و طی گفتگویی با حقیر در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۸۴ اطلاعات خویش درباره خاندان طباطبایی (از جمله نیای بزرگشان: آقا سید احمد) را همراه پاره ای از اسناد و تصاویر، در اختیار این جانب نهادند، که از آنها در جای جای این دفتر بهره گرفته شد، و بدین وسیله از لطف ایشان صمیمانه تشکر می گردد. امید

است همواره در طریق خدمت به فرهنگ ایران اسلامی، استوار و موفق باشند.

۲. دکتر سید عبدالحسین طباطبایی، فرزند مرحوم حاج سید عبدالمهدی طباطبایی و نواده آیت الله حاج میر سید محمد طباطبایی (پیشوای مشروطه)، که در حال حاضر، سنین بالای ۹۰ سالگی را گذرانده و بزرگ خاندان طباطبایی محسوب می شوند. معظم له، جراح متخصص گوش و حلق و بینی، و استاد به نام دانشکده پزشکی دانشگاه تهران هستند که متخصصان سالخورده کنونی گوش و حلق و بینی در کشور (که فارغ التحصیل این رشته از دانشگاه تهران هستند) نوعاً شاگرد ایشان می باشند. خوشبختانه در روز چهارم اردیبهشت ۱۳۸۵ این بنده راقم سطور را توفیقی دست داد که در معیت جناب آقای سید محمدحسن طباطبایی، خدمت دکتر طباطبایی رسیده و پیرامون برجستگان خاندان طباطبایی (و از آن جمله: حاج میر سید احمد) با ایشان به گفتگو بنشینم. جناب دکتر، ضمن ارائه برخی اطلاعات ناب تاریخی، تصاویر منتشر نشده ای نیز از پیشینیان خاندان طباطبایی و آقایان سید احمد و سید محمد طباطبایی در اختیار حقیر نهادند که زینت بخش کتاب حاضر گردید و بدین وسیله از ایشان نیز صمیمانه سپاس گزاری می شود. عمرشان، قرین به صحت و عافیت، همچون پرتو آفتاب نیمروزی، بلند و گسترده باد!

پیدا است که تحلیلها و برداشتهای تاریخی کتاب حاضر - جز مواردی که به فرد یا منبعی خاص نسبت داده شده - همگی، از این بنده راقم سطور بوده و مسئولیت آن با حقیر است.^(۱)

و من الله التوفیق و علیه التکلان

علی ابوالحسنی (مندرج)

۱. تأکید روی کلمات نیز - جز در مواردی که استثنا شده - همه جا از ما است.